

عنوان مقاله:

مشخصه‌های اساسی طبیعتگرایی در فلسفه معاصر غرب

محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 9، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

سید مهدی بیابانکی - استادیار دانشکده اهل بیت علیهم السلام دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

طبیعتگرایی، یک رویکرد فلسفی درون سنت فلسفه تحلیلی است، که در طول سه دهه آخر قرن بیستم یکی از جهتگیریهای غالب در فلسفه تحلیلی به شمار می‌آید. از نگاه بسیاری از طبیعتگرایان، طبیعتگرایی نه تنها رویکردی فلسفی، بلکه در عین حال، به عنوان یک «ایدئولوژی» و عامل جهت دهنده به کل سنت فلسفه تحلیلی نیز به شمار می‌آید. اما با این وجود، پاسخ به این سوال که «طبیعتگرایی چیست؟» با چالشهای بسیاری همراه بوده است. برخی از فلاسفه، تلاش برای صورتبندی طبیعتگرایی و تعریف آن را بیفایده میدانند و میکوشند تا طبیعتگرایی را در بستر دیالوگهای صورت گرفته میان فلاسفه طبیعتگرا و ضد طبیعتگرا در زمینههای مختلف صورتبندی کنند. در مقابل، برخی دیگر، طبیعتگرایی را یک آموزه فلسفی منسجم نمیدانند، بلکه آن را برنامه‌های پژوهشی میدانند که مرکب از مجموعه‌های از رویکردهای روششناختی یا شیوه هدایت پژوهش است. هر دو رویکرد فوق با کاستیهای مواجهه بوده است. هدف ما در این مقاله این است که طبیعتگرایی را بر اساس مشخصه‌های اساسی آن صورتبندی کنیم. بر اساس این صورتبندی، طبیعتگرایی آموزه‌های مرکب از دو مشخصه کلان است که عبارتند از علمگرایی و اجتناب از فراطبیعت. علمگرایی، روح معرفتشناختی طبیعتگرایی، و اجتناب از فراطبیعت، مشخصه هستیشناختی آن به شمار میرود.

کلمات کلیدی:

طبیعتگرایی، علمگرایی، ماوراالطبیعه، طبیعتگرایی روششناختی، طبیعتگرایی هستیشناختی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1188786>

